

الدَّرْسُ الْخَامِسُ



أَيْنَ ذَهَبْتُ؟ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

به بازار رفتم.

کجا رفتم؟

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: واژه نامه (۲۸ کلمه)

اَخَذَ: گرفت، برداشت = رَفَعَ	دَكَّرَ: یاد کرد	صَدِيقَاتِي: دوستانم «مؤنث»	كَتَبَ: نوشت
اِشْتَرَى: خرید	دَهَبَ: رفت	عِبَادَة: چادر	لَا قَرَق: فرقی نیست
اِشْتَرَيْتُ: خریدم	دَهَبْتُ: رفتم	عَلَمَ: پرچم ج مَكْسَر: اَعْلَام	لِك: ت، — تو «مؤنث»
اِشْتَرَيْتَ: خریدی «مذکر»	دَهَبْتَ: رفتی «مذکر»	عَسَل: شُست	صَدِيقَتُكَ: دوست
اِشْتَرَيْتِ: خریدی «مؤنث»	دَهَبْتِ: رفتی «مؤنث»	قُسْتَان: پیراهن زنانه	لِكُن: ولی
اَصْدَقَائِي: دوستانم «مذکر»	رِسَالَة: نامه	قَرَأ: خواند	لِمَاذَا: چرا، برای چه
اَكَل: خورد	رَفَعَ: بالا بُرد، برداشت	قَرَأَتْ: خواندی «مذکر»	مَبْرُوك: مبارک
ألف: هزار	أَلْفَانِ وَأَلْفَيْنِ: دو هزار سِرْوَال: شلوار کلمه فارسی است که معرب شده	قَرَأْتُ: خواندم	مَلَبَس: لباس ها مفرد: مَلَبَس
أُم: یا کلمه مشابه: أُم: مادر	سوق: بازار	قَمِيص: پیراهن	وَحَدَك: تو به تنهایی «مذکر»
تُقَاح، تَفَاح: سیب	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکرم	كَانَ، كَانَتْ: بود	وَحَدِك: تو به تنهایی «مؤنث»

فعل ماضی

تعریف فعل: فعل کلمه ای است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان های گذشته ، حال و آینده دلالت می کند.

فعل ماضی: فعلی است که بر زمان گذشته دلالت می کند.

نکته ۱: بیشتر فعل ها در زبان عربی ۳ حرف اصلی دارند که به این ۳ حرف اصلی ریشه (بن) فعل گفته می شود.

نکته ۲: همه فعل ها در زبان عربی ۱۴ صیغه دارند ولی در فارسی ۶ صیغه وجود دارد. این اختلاف به دلیل وجود مذکر و مؤنث بودن فعل ها و وجود مثنی در زبان عربی است.

مفرد				
جنس	ضمیر منفصل	صیغه فعل	ضمیر متصل	
مذکر و مؤنث	أَنَا	دَكَّرْتُ	رَبِّي	اول شخص
ترجمه	من	یاد کردم	پروردگارم را	
مذکر	أَنْتَ	دَكَّرْتَ	رَبِّكَ	دوم شخص
مؤنث	أَنْتِ	دَكَّرْتِ	رَبِّكِ	
ترجمه	تو	یاد کردی	پروردگارت را	سوم شخص
مذکر				
مؤنث				

-أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟

ای مادر حمید، کجا رفتی؟

-هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟

آیا چیزی خریدی؟

-أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟

آیا تنهایی رفتی؟

-كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

قیمت لباس ها چطور بود؛ ارزان بود یا گران؟

-فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

پس چرا خریدی؟

-مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

چه چیزی خریدی؟

-مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانٍ اللَّهُ.

مبارک است؛ لباس های زیبایی است! خدا حافظ.

-ذَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجَفِ.

به بازار نجف رفتم.

-نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.

بله؛ لباس های زنانه خریدم.

- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.

نه؛ با دوستانم رفتم.

-مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

مانند ایران بود؛ هیچ فرقی ندارد؛ ولی خریدم.

-اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.

برای هدیه (دادن) خریدم.

-فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.

پیراهن زنانه و چادر.

-شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

بسیار متشکرم؛ به سلامت.

-أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟

ای پدر حمید، کجا رفتی؟

-هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟

آیا چیزی خریدی؟

-أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟

آیا تنهایی رفتی؟

-كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

قیمت لباس ها چطور بود؛ ارزان بود یا گران؟

-فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

پس چرا خریدی؟

-مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟

چه چیزی خریدی؟

-مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانٍ اللَّهُ.

مبارک است؛ لباس های زیبایی است! خدا حافظ.

-ذَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجَفِ.

به بازار نجف رفتم.

-نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.

بله؛ لباس های زنانه خریدم.

- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.

نه؛ با دوستانم رفتم.

-مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

مانند ایران است؛ هیچ فرقی ندارد؛ ولی خریدم.

-اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.

برای هدیه (دادن) خریدم.

-قَمِيصًا وَ سِرْوَالًا.

پیراهن زنانه و چادر.

-شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

بسیار متشکرم؛ به سلامت.



چه چیزی (چی) خواندی؟
چند شعر خواندم.



چه چیزی خوردی؟
(یک) سیب



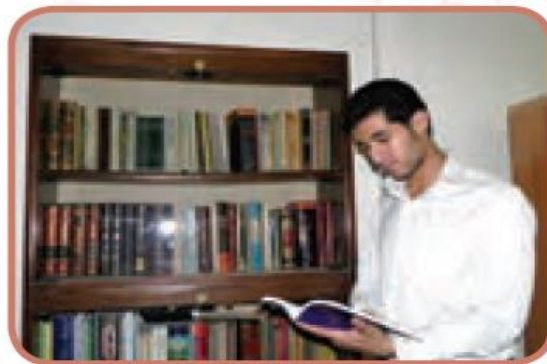
أنا رَفَعْتُ عِلْمَ إيران.
پرچم ایران را بالا بردم.



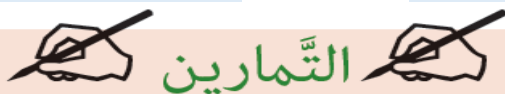
أنا كَتَبْتُ رسالةً لصَدِيقِي.
من نامه ای به دوستم نوشتم.



أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.
تو کتاب علمی خواندی.



أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا.
تو کتاب مفید (سودمندی) گرفتی.



التمرینُ الأوَّلُ: جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل های ماضی خط بکشید.

۱- أَهِيَ الْمَسَافِرُ أَذَهَبَتْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لا؛ ذَهَبَتْ إِلَى السَّوْقِ.

ای مسافر، آیا به هتل رفتی؟ نه؛ به بازار رفتم.

۲- مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ مَلَابِسِي وَ مَلَابِسَ أُسْرَتِي.

چه چیزی را شستی؟ لباس هایم و لباس های خانواده ام را شستم.

۳- مِنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا گرفتی؟ آن را از آن جا گرفتم.

۴- مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

چه چیزی خریدی؟ یک پیراهن زنانه و چادر خریدم.

التَّمرينُ الثَّاني: گزینه درست را انتخاب کنید.

☐ غَسَلْتُ	☐ غَسَلْتُ
☐ رَفَعْتُ	☐ رَفَعْتُ
☐ ذَكَّرْتُ	☐ ذَكَّرْتُ
☐ أَخَذْتُ	☐ أَخَذْتُ
☐ أَكَلْتُ	☐ أَكَلْتُ

۱- أنا مَلَابِسِي.

۲- أ أنتَ الْعَلَمَ؟

۳- أنتَ صَدِيقَتِكَ.

۴- أ أنتَ هَدِيَّتِكَ؟

۵- كَم تَفَاحَةً أَكَلْتَ؟ تُفَاحَتَيْنِ.

التَّمرينُ الثَّالثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

ذَكَّرْتُ - أَرْضُ - غَسَلْتُ - تَفَاح - رَفَعْتُ - جَدَّة - قَمِيص - عَبَاءة - رَخِيص - رِسَالَة - أَكَلْتُ - طَلَّاب - أَلْفَانِ
 ۱- دانشجوین ۲- دو هزار ۳- چادر ۴- نامه ۵- شستی ۶- بالا بردم ۷- خوردم ۸- پیراهن
 ۹- سیب ۱۰- یاد کردم ۱۱- ارزان ۱۲- زمین ۱۳- مادر بزرگ

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ج	أ	ز	ذ	ث	ق	ك	ف	ر	س	ع	ا	ط
د	ز	خ	ك	ث	ق	ك	ف	س	س	ع	ا	ل
ة	ض	ی	ز	ف	م	ل	غ	ل	ا	ب	ل	ل
		ص	ث	ا	ی	ث	ث	ت	ل	ا	ف	ل
				ح	ص				ة	ء	ا	ا
										ة	ن	ب

رمز ←

رمز جدول: طَلَّبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. (خواستن علو واجب دینی است).